

## مقابله با هژمونی آمریکا، چگونه؟

مهمنترین اهداف حمله آمریکا به عراق رامی توان بصورت زیر خلاصه کرد:

۱- حفظ برتری و هژمونی بر کل جهان

۲- مقابله با خطر تروریسم بین المللی

۳- بدست گرفتن ماده استراتژیک نفت خاورمیانه

۴- تأمین آسایش و امنیت اسرائیل

اینکه کدام یک از عوامل بالا اهمیت اساسی تر دارد، بستگی به سیاست‌های آمریکا از یک سو،

و عملکرد قدرت‌های مطرح جهان از سوی دیگر، دارد.

الف: تاریخ چند هزار ساله جهان گواه این نکته است که هر وقت زورمندان و قدرت طلبان

مجال و فرهنگی یافتدند، قصد و آهنگ تسخیر کل دنیا و بزرگ بوغ در آوردن ملت‌ها را داشته‌اند.

دینهای اسلامی و ایدئولوژی‌های بشری هم در گذشته هر جالازم بوده هدف جهانی شدن را بایان

کرده‌اند. پس ایله حاکمیت بر کل جهان انگاره جدیدی نیست و پیشنه چند هزار ساله دارد. در

سده گذشته، کشورهایی مانند آلمان و شوروی حاکمیت بر جهان را به پیروان خود و عده‌ی دادند

و برای رسیدن به آن هدف، طرح و نقشه‌های مختلف داشتند. ولی به علی، که از حوصله این

مقاله خارج است، در این راه موفق نشدند و ایالات متحده اکنون بهتر ترتیب این برتری نظامی،

اقتصادی، و تکنولوژی را پیدا کرده است.

ب- پرسش این است که آیا کشورهایی که امروز مخالف یک جانبه گرایی آمریکا هستند، اگر

خود برتری انکارناپذیر نظامی و اقتصادی نسبت به دیگر کشورها پیدا می‌کردند. حاضر بودند

بواسطه احترام به افکار عمومی و توجهات اخلاقی بدلیل سوء استفاده از برتری خود بنشند و

مانند گذشته با متحدانشان را در سازمان ملل و پیمان آتلانتیک شمالی مورد مشورت کنند و به

افکار عمومی جهانی احترام بگذارند؟

بنظر می‌رسد برتری نظامی کنونی آمریکا و شاید برای چند دهه آینده حقیقتی ملموس باشد،

که حتی انتلاف برای توازن قوای بین کشورهای مطرح جهان هم قادر به تغییر آن نباشد. با چنین

تصویری، آیا ایالات متحده تمایل دارد از هژمونی فرآوری خود و سیاست یکجانبه گرایی دست

بردارد. جواب صد البته منفی است.

ج- برخی مفسران سیاسی گفته‌اند که در سده ۲۱ هم دو ابرقدرت وجود دارد که در تقابل با هم

هستند. یکی ایالات متحده آمریکا و دیگری "افکار عمومی" جهان. اینان در درجه نخست محرك

اصلی مخالفتها و راهپیمایی‌های چند میلیونی سراسر جهان بر علیه جنگ، قبل از حمله آمریکا به

عراق را، گسترش و سایل ارتباط جمعی مانند مهاواره و اینترنت دانسته‌اند که میلیون‌ها نفر از مردم

مخالف جنگ را بهم نزدیک و متخد کرد و درجه درم تحریک و زمینه سازی کشورهای فرانسه و

آلمان و دیگر نهادهای بین المللی مخالف جهانی شدن را عامل تحریک "افکار عمومی" و بسیج آن

می‌دانند. این عده همچنین معتقدند که اگر فرانسه و آلمان و روسیه هم مانند انگلستان از آغاز

پشتیانی کامل خود را از حمله آمریکا به عراق اعلام می‌کردند، احتمال تسلیم بدون قید و شرط

صدام زیاد بود. ولی وقیعه صدام احساس کرد که همراه و هم‌دل پیدا کرده، تشویق شد که پایداری

کند. این فرضیه بقدری قوت گرفت که برخی عامل اصلی بروز جنگ بروز جهانی فرانسه و آلمان دانسته‌اند. اگرچه این فرض قدری مبالغه‌آمیز و افراطی است،

ولی بی تاثیر نموده است.

د. دلیل اصلی در پیش گرفتن سیاست مخالفان تهانگرفت همگانی از

بروز جنگ میان یک ابرقدرت با یک کشور آسیب پذیر جهان سومی نیست، بلکه دلواپسی

کشورهای مطرح جهان از یکجانبه گرایی آمریکا اصلی است که با به قدرت رسیدن جرج بوش ابعاد گسترشده تر پیدا کرد و استمرار و ادامه آن می‌رود تأثیر این اعلان حاضر را دستخوش

تغیرات بینایی نماید. از جمله آنکه ماهیت ناتوان احتمالاً متحول خواهد شد. سازمان ملل با

تشکیلات و شکل کوئی اش بعید است بتواند ادامه دهد. با پیدا کردن خود را آماده پذیرش زیاده

خواهی های کیطرفه آمریکانماید و یا پاید خود را جویی سامان دد که بتواند در برابر خواسته‌های نامحدود آمریکا پایداری کند. زیرا محقق کاران جدید در دولت بوش عمل نهادهای بین المللی را

خلاف منافع آمریکا ارزیابی می‌کنند.

ه. اکنون مشخص شده است که قصد آمریکا از حمله به عراق تنها نفت یا مبارزه با تروریسم و

امنیت اسرایل نبوده است. اگرچه هر سه عامل های مهم و تعیین کننده بوده‌اند. بلکه ایالات متحده

خواهان حفظ و گسترش هژمونی خود توسط سامان دهی نظم ژنوپیاتیک پست مدنیسم در جهان

است که تغیرات ژنواستراتژیک و ژنوکنومیک جدید را به دنبال خواهد داشت. برای دستیابی به

این مقاصد، آمریکا از مخالفان خود ابانی ندارد، زیرا نه تنها این اهداف را پنهان نمی‌کند، بلکه

مخالفان را تهدید به تبیه سیاسی، اقتصادی و گاه نظامی می‌کند.

کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای مطرح جهان کم و بیش نقش خود و بهای را که حاضرند

در این مخالفتها متحمل شوند روش کرده‌اند. آنها به طور کلی می‌خواهند که سازمان ملل متحد

مانند گذشته نقش سنتی خود را حفظ و روایت دموکراتیک کشورهای عضو را تضمین نماید و

آمریکا را وارد که از یکجانبه گرایی دست بردارد. علت مخالفت امروز کشورهای اروپایی آنست

که مانند گذشته که از تهدید کمونیسم در خلال سالها جنگ سرد در وحشت بسیار می‌بردند، اکنون

تهدید تروریسم بین المللی را جدی نگرفته‌اند. از این‌رو، کشورهای اروپایی دیگر به چشم یک شریک

بازرگانی و هم‌پیمان استراتژیک به آمریکانگاه نمی‌کنند، بلکه به عنوان کشوری که در برای اروپا

## خانمه‌ها و آقایان نماینده مجلس، برای لغو نظارت استصوابی از نیروی انتخاب کنندگان خویش بهره بگیرید

نامه مورخ ۱۳۷۷/۲/۲۷ عده کثیری از نماینده‌گان مردم در مجلس شورای اسلامی خطاب به مقام رهبری با توجه به مجموع شرایط امروز ایران، منطقه و جهان و نزدیک بودن تاریخ برگزاری انتخابات مجلس هفتم امید آفرین بوده و در صورت تداوم و حرکت بسوی ایجاد تشکیل ملی و مردمی در بستر جامعه و نه در درون حاکمیت، که بکرات آزمایش منفی اش را پس داده، می‌تواند نتایج مثبت بار آور و خدمتی تاریخ ساز باشد. خواهان و برادران نماینده، ۵۴ سال پیش، زنده باد دکتر محمد مصدق طی اعلامیه‌ای از مردم روشنگر و خیرخواه کشور دعوت کرد که چون هیچ حزب و تشکیلات موثری در کشور وجود ندارد تا به مسائل عمده میهن سروسامان بدهد و ساعت پیش از ظهر روز جمعه ۱۴۷/۲/۲۲ در خیابان کاخ مقابل کاخ سلطنتی حاضر شوند تا شکایت از شیوه غلط انتخابات به پادشاه تقدیم شود. با انتشار این دعوت نامه، بالاقاشه اعلامیه تهدید آمیزی از سوی شهریانی منتشر شد حاکی از اینکه عده‌ای اخلاصگر قصد ایجاد آشوب در مملکت دارند. ولی شادران و دکتر مصدق با حال ناتوان و کسالت جسمانی همراه عده‌ای از دوستان و تعداد زیادی از مردم بسوی دریار حرکت کرد و به اتفاق ۱۹ آن از همکران خود پس از چهار روز تحقیص و اعتراض غذاضمن صدور اعلامیه‌ای باین فراز که "...خرابی مملکت ناشی از فساد و غرض ورزی و خود پرستی است و راه اصلاح آن انتخابات آزاد است..." دریار راترک نمودند. چهار ماه بعد، یعنی روز ۲۵ بهمن ۱۳۷۸ دکتر مصدق و پایه گذاران جهنه ملی در راس لیست حائزین اکثریت منتخبین تهران و شادران الهار صالح از کائنات انتخاب شدند و همگان می‌دانند که همان اقلیت کوچک مجلس علاوه بر اصلاح قانون انتخابات موقوف به ملی کردن صنعت نفت ایران که تا آن تاریخ سهم ما معادل ۱۶ درصد بشکه‌ای ۷۷۵ دلار آن هم بر اساس محاسبات پریش پژوهیم بود که دیدند. اینک خواهان و برادران نماینده‌برای بروز رفت از کلاف سر در گمی که متأسفانه کل جامعه را فراگرفته و برای خروج از راه بندان سیاسی موجود که نیروی ضد اصلاحات بر مطالبات حقه مردم تحمیل کرده و همگان می‌دانند که بخش تمام خواه حاکمیت فعلی حتی حاضر نیست به اندازه شهریانی رژیم سابق برای کسی احترام قائل شود و قطعاً اجازه یک روز تحصن در همان کاخهای را به‌حدی نمی‌دهند و تبارگزاری انتخابات آنی نزهه امیدی به همراهی شورای نگهبان متصور است و نه احتمال همه‌پرسی، لذا اکنون که ساختار و سیستم نماینده‌گی معطل مانده و آنچه که قانون باید ترجمان خواست و اراده ملت باشد، پیشنهاد می‌شود با توجه به موافقین حقوقی و اتفاقهای قانونی، و با توجه به سنت رایج و عرف نهاده‌شده، اعضاء نامه‌ای سرگشاده و اینکه در برخی کشورهای پیش‌رفته جهان نظری سوئیس مردم می‌توانند از این طریق جمع آوری اعضاء دست به رفرازه زده لغو و یا طرح قوانین را برای دولت الرامی نمایند، هریک از شمازی در حوزه‌های انتخابی خود می‌توانید دست به اقدام مشابه زده و مثلاً موضوع لغو نظارت استصوابی؛ را از طریق جمع آوری تومارهایی مشتمل بر هزاران اعضاء اصلات‌قاتلوند نموده و از تریبون مجلس به اطلاع همگان برسانید.

خانمه‌ها و آقایان، در ایران امروز وقت زیادی نداریم که از دست بدھیم پس باید به سرعت دست بکار شد. همواره تضییم شرایط آزادی در هر جامعه‌ای بر عهده ستم دیده است. پس از ستم دیدگان بخواهید ایرانیان دهنده تاقدار شوید آزادی را نهادنده کنید. موقوفیت هر ملتی به بازسازی رابطه دولت با جامعه بستگی دارد. و برای بازسازی روابط ابتدا باید پذیرفت که فقط از طریق تشکیل‌های اندیشمند سیاسی است که صدای شهروندان و نه اجزاء حاکمیت نهایت‌آباهی کریبورهای قدرت می‌رسد و از اشتباهات حاکمیت کاسته می‌شود و جلو حرکات دلخواهی و خودگامه را می‌گرد. مطمئن باشید اکنون به جامعه تها کلید موقوفیت شمان نمایندگان ملت است.

هرمز ممیزی